



بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس هنر و عشق به یادگیری

The Effectiveness of Arts Education with Artistic Education Approach on Interest in Arts and Love of Learning

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷

M. Abedini Baltork (Ph.D)

M. Rezaei Zarchi

میمنت عابدینی بلترک^۱

ملوکه رضایی زارچی^۲

Abstract: Art education is one of the basic functions of the educational system. However, today, art doesn't have a proper place in Iranian curricula and art education is not taken seriously. Therefore, the purpose of this study was to investigate the effects of arts education on artistic education approach to interest in arts and love of learning in students. The study population consisted of 44 elementary school male students in Yazd (Iran) and the final sample included 44 students divided into two groups of 22 students who were selected by alternative random sampling. The questionnaires of interest in lesson (CIS) and love of learning were employed to collect the data. The reliabilities of the questionnaires were 0.93 and 0.76 which were calculated based on Cronbach's alpha coefficient. The results also showed that art education with the approach of artistic education increased the interest in art lesson in students and also had a significant effect on their love of learning.

Keywords: art education, learning, interest in the lesson, love to learn

چکیده: تربیت هنری به عنوان یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزشی است. این در حالی است که امروزه هنر، در برنامه های درسی ایران از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و تربیت هنری جدی گرفته نمی شود. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس هنر و عشق به یادگیری در دانش آموزان انجام شد. جامعه پژوهش، دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر یزد و نمونه شامل ۴۴ نفر در دو گروه ۲۲ نفره از دانش آموزان بودند که به روش نمونه گیری تصادفی جایگزینی انتخاب شدند. از پرسشنامه های علاقه به درس و عشق به یادگیری جهت گردآوری داده ها استفاده گردید. پایایی پرسشنامه ها بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۷۶ بدست آمد. نتایج نیز نشان داد که آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری باعث افزایش علاقه به درس هنر در دانش آموزان شده و همچنین تأثیر معناداری در عشق به یادگیری آنان داشته است.

کلیدواژه ها: آموزش هنر، یادگیری، علاقه به درس، عشق به یادگیری

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

Abedini.gilan@gmail.com

m.abedini@umz.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد اردکان، اردکان، ایران

مقدمه

یکی از رسالت‌های نظام آموزشی در هر جامعه‌ای فراهم کردن بسترهای لازم برای رشد و شکوفایی همه جانبه استعداد‌های کودکان، نوجوانان و جوانان است. جهت دستیابی به این هدف و با عنایت به ماهیت چند بعدی روحی، روانی، ذهنی و اخلاقی و اجتماعی فراگیران از یک طرف و ضرورت استفاده از حداکثر توان یادگیری آنها در مدارس از طرف دیگر، نیاز به طراحی و تدوین طیف متنوعی از برنامه‌ها، فرآیندها و فعالیت‌های آموزشی است که بخش اعظم آن در خلال محتوا و متون درسی پیش بینی شده است. یکی از این حوزه‌های یادگیری که علیرغم اهمیت و جایگاهش در جریان رشد دانش‌آموزان و تأثیر آن در به فعالیت رساندن استعداد‌های خدادادی آنها، دیرزمانی است که مورد غفلت قرار گرفته است، هنر و آموزش آن در مدارس است. هنر، ابزار مهمی را برای انسان فراهم می‌کند که از طریق آن یاد بگیرد، بفهمد و ارتباط برقرار کند (بارنزا^۱ و همکاران، ۲۰۰۲). کودکان و نوجوانان از طریق ارتباط با هنر می‌توانند به عنوان یک عضو فعال در دنیای پیرامون خود نقش آفرینی کنند (آنتیلا^۲، ۲۰۱۸؛ لوید^۳، ۲۰۱۷؛ پرسو^۴ و همکاران، ۲۰۱۱؛ آرسلان^۵، ۲۰۱۴). انواع افسانه‌ها، داستان‌ها، نمایش‌ها و فیلم‌های هنری و نیز طرح‌ها و تصاویر متنوع، هر کدام جلوه‌هایی از هنر هستند که در تحریک و تقویت حس کنجکاوی، میل به جستجوگری انسان در شناخت پدیده‌های هستی و محیط پیرامون خود مؤثرند. پرورش نیروی تخیل و ایجاد انگیزه‌های مناسب از طریق هنر، از جمله عواملی است که راه را جهت اختراعات و اکتشافات هموار ساخته است. بیان و ارائه‌ی اطلاعات، آموزش مفاهیم، اصول و قوانین فیزیکی و شیمی تحت تأثیر هنر قرار دارند (برون^۶، 2017). به همین دلیل امروزه،

-
۱. Barnes
 ۲. Anttila
 ۳. Lloyd
 ۴. Perso
 ۵. Arslan
 ۶. Brown

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

یکی از حوزه‌های اساسی در نظام آموزش و پرورش دنیا، حوزه تربیت هنری میباشد. امروزه تربیت هنری به یکی از کانون‌های مورد علاقه سیاست‌گزاران در عرصه‌ی اصلاحات نظام آموزشی تبدیل شده است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۷). هنر به‌عنوان یک پارادایم و چشم‌انداز در تعلیم و تربیت و برنامه‌درسی به کوشش صاحب نظرانی چون برودی، آیزنر، اسمیت، والانس و دیگر صاحب نظران مطرح گردیده است (گرمابی و همکاران، ۱۳۹۴).

صاحب نظران حوزه برنامه‌درسی، یکی از کارکردهای مهمی که به آموزش هنر نسبت می‌دهند، پرورش تفکر خلاق در یادگیری است. اندیشمندان و پژوهشگران زیادی به تأثیر آموزش هنر در پرورش خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند (یورک وینی^۱، ۲۰۰۷؛ لورد^۲، ۲۰۱۶؛ تاکر^۳، ۲۰۱۷؛ کری^۴، ۲۰۱۸؛ یولگر^۵، ۲۰۱۹)

دیویی، فیلسوف بزرگ پراگماتیست در کتاب هنر به عنوان تجربه، هنر را دارای دو بعد خلاقانه و زیبایی‌شناختی می‌داند و معتقد است این دو جنبه هنر را نمی‌توان از هم متمایز کرد. بر این مبنا، آموزش هنر در نظام آموزشی باعث پرورش و افزایش سطح خلاقیت عمومی و یادگیری دانش‌آموزان میشود. همچنین اعمال روش‌های آموزشی خلاق در آموزش‌های هنری باعث ارتقای کیفیت و توانایی‌های هنری می‌شود (برناتو^۶، ۲۰۰۸؛ جراه^۷، خسونه^۸ و وردات^۹، ۲۰۲۰). آیزنر (۱۹۹۸) به عنوان اندیشمندی که تلاش‌های فراوانی در حوزه تربیت هنری انجام داده است، چهار پیامد بنیادی را برای آموزش هنری متصور است: الف) پرورش تفکر واگرا (ب) ایجاد وحدت بین شکل و محتوا (ج) تقویت قابلیت اکتشاف (د) پرورش توجه و توانایی افراد در

۱. York viney

۲. Lloyd

۳. Tucker

۴. Curry

۵. Ulger

۶. Berenato

۷. Jarrah,

۸. Khasawneh

۹. Wardat

مقابل مسائلی که به شیوه‌های مختلف قابل حل به شیوه صحیح هستند (شاه محمدی، ۱۳۹۰). پستالوژی نیز بر اهمیت هنر در برنامه تأکید می‌کند و می‌گوید این کار تنها برای بروز استعدادها و خلاق کودکان نیست، بلکه برای این است که انسان را از قدرت خود آگاه کند و نظم عقلی آنان را پرورش دهد.

هدف اصلی آموزش هنر و زیبایی شناسی را می‌توان یادگیری مبتنی بر هنر یا یادگیری از طریق هنر تعریف کرد (اسمیت، ۱۳۹۶). اصطلاح آموزش هنر، چندین حوزه فعالیت را در بر می‌گیرد: آموزش هنرآموزان حرفه‌ای (نقاشی، مجسمه‌سازی، طراحی، گرافیک و...)، تعلیم صنعتگران دستی، آموزش هنرآموزان و تعلیم هنر به عنوان بخشی از آموزش عمومی کودکان و نوجوانان (پاکباز، ۱۳۸۷). بنت رایمر تعریف تحلیلی جامعی از تربیت هنری ارائه کرده است. وی تربیت هنری را رشد آگاهی و حساسیت نسبت به ویژگی‌های زیبایی‌شناختی اشیا و پدیده‌ها می‌داند (مهر محمدی، ۱۳۸۳). تربیت هنری ناظر بر آموزش حواس مختلف، رشد تجارب حسی و لمسی حساسیت و برخورد عمیق با جلوه‌های دیداری هنری و نقادی هنرمندانه است. این الگوی تربیتی شامل رشد آگاهی متعالی، آفرینش و فهم اشکال نمادین و نیز رویکرد خلاق نسبت به تصورات دیداری در نقاشی، مجسمه‌سازی و هنرهای تزئینی و قضاوت نقادانه می‌باشد. به اعتقاد برودی نیز هنرها شرایط دستیابی انسان به دانش، بصیرت معانی و ارزشهایی همانند درون بینی، تعالی روحی و احساس ذوقی و شناخت محیط را فراهم می‌آورند (فلاحی، صفری و یوسف فرحنگ، ۱۳۹۰).

آموزش هنر، باعث علاقه‌مندی فراگیران میشود. علاقه‌مند نمودن فراگیران می‌تواند، پرورش قابلیت‌های زیبایی‌شناختی را به دنبال داشته باشد و تأثیرات قابل توجهی در رشد عاطفی و اخلاقی، ایجاد مهارت‌های حرکتی، پرورش قابلیت‌های گروهی و ارتباطی دانش‌آموزان بر جای گذارد (ازلپ^۱، ۲۰۱۸؛ کنکی^۲ و گرین^۳، ۲۰۱۸). انگیزش یا علاقه به درس، عاملی است که رفتار

۱. Ozalp

۲. Conkey

۳. Green

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

مشخصی را تحریک و هدایت می‌کند و پاسخی است به این سؤال که اساس یادگیری علم چیست؟ روان‌شناسان برای انگیزش اهمیت بیشتری نسبت به هوش قائل می‌شوند. آنان انگیزش را حاصل عواملی مانند مشوق‌ها، نیازهای درونی، کنجکاو، برانگیختگی و علت‌هایی می‌دانند که فرد برای رویدادها و نتایج اعمال می‌کند. بسیاری از معلمان، ویژگی‌های دانش‌آموزان خوب را در خصوصیات نظیر سخت‌کوشی، همکاری و علاقه‌مندی می‌دانند. پژوهش‌ها نیز نشان داده است که، علاقه دانش‌آموزان در یادگیری، اهمیت مطلوب‌تری در مقایسه با هوش آنها دارد. همچنین درباره تأثیر علاقه بر یادگیری، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که علاقه زیاد به یادگیری استوار و علاقه اندک، به یادگیری کم می‌انجامد. در واقع میتوان ادعا نمود که علاقه به درس، موتور محرک تلاش و فعالیت برای یادگیری است و میزان یادگیری دانش‌آموزان را به حداکثر می‌رساند. از عوامل دیگر در یادگیری به‌خصوص در درس هنر، می‌توان به عشق به یادگیری اشاره نمود. مفهوم عشق به یادگیری توسط مریان و عموم مردم مورد بحث زیادی قرار گرفته است. در این میان نظریه پردازان بر سر اینکه عشق به یادگیری در افراد یک تفاوت فردی است یا یک ویژگی محیطی یا هر دوی آن اختلاف نظر دارند. دیدگاه مثبت نگر روانشناسانه معتقد است که عشق به یادگیری به‌طور کلی یک تفاوت فردی در داشتن استعداد و گرایش به موضوعات خاص و علایقی است که به خوبی شکل گرفته و توسعه یافته‌اند (اسمورتی، ۲۰۱۴).

عشق به یادگیری انجام فعالیت‌هایی بدون تقویت خارجی یا محیطی است و افراد با داشتن عشق به یادگیری احساس مثبتی درباره‌ی یادگیری مطالب جدید دارند و قادر خواهند بود خود را در برابر موانع و شکست‌ها حفظ نمایند. توجه به عشق به یادگیری فراگیران، از مهمترین ویژگی‌هایی است که موفقیت‌های بسیاری، هم برای فرد و هم برای جامعه به دنبال خواهد داشت. محققان بر این باورند که عشق به یادگیری در فرد، نیاز به یادگیری را ایجاد می‌کند و فراگیر را به صورت فعالانه به سمت یادگیری سوق می‌دهد و در این میان اگر تلاش معلم تنها معطوف به تدریس نباشد، کار معلم آسان‌تر می‌شود و فراگیران خودشان به دنبال آموزش خواهند

رفت (پترسون^۱ و سلیگمن^۲، ۲۰۰۴). در این میان نقش معلم مانند کاتالیزوری است که به رخ دادن مسائل کمک می‌کند و هدف اصلی آن فعال نمودن فراگیر می‌باشد.

می‌توان اذعان نمود که تربیت هنری درصدد شکوفایی فطرت دانش‌آموزان از طریق ایجاد محیط آزاد برای تقویت حواس، تخیل، خلاقیت، ظرفیت‌های نهفته هوش، تفکر و افزایش حساسیت دانش‌آموزان نسبت به ویژگی‌ها و ابعاد زیبایی شناختی اشیا و پدیده‌های مختلف می‌باشد. در این بین، درس هنر از طریق تربیت هنری درصدد رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و حساسیت‌های هنرمندانه‌ی دانش‌آموزان است و به آنها یاد می‌دهد که چگونه ببینند، بشنوند، ارتباط برقرار کنند و در جهت رشد و کمال حرکت کنند (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۷).

در راستای پژوهش حاضر، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که هر کدام بر روی بعد خاصی تمرکز نموده‌اند. در اینجا به نزدیک‌ترین پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی نظام دستیابی به صلاحیت‌های مورد انتظار معلمان هنر، به این نتیجه اشاره شده که دانش محتوای تربیتی، دانش تخصصی و عام، زمینه‌ها، برنامه ورود به حرفه معلمی، تحصیل گشتالته، تحصیل بر اساس محتوای تلفیقی، تحصیل بر اساس محتوای مجزا، ایجاد زمینه حرفه‌ای از مؤلفه‌های مطرح در زمینه صلاحیت‌های مورد انتظار معلمان هنر می‌باشد (مهدی زاده تهرانی و همکاران، ۱۳۹۷)

زمانی دارانی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی مشکلات و محدودیت‌های درس هنر دوره متوسطه اول از دیدگاه معلمان پرداخت. نتایج نشان داد که مسایلی نظیر عدم وجود تخصص و مهارت لازم در آموزش هنر، واگذاری تدریس هنر به دبیران غیر تخصصی، محتوای نامناسب کتاب درسی، کم اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر، کمبود وقت در تدریس و تمرین، کمبود بودجه، نا آگاهی والدین از اهمیت هنر و نیز سردرگمی

۱. Peterson

۲. Seligman

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

دانش‌آموزان در شناخت حوزه مورد علاقه خود از مهمترین مشکلات درس هنر در مدارس شهرستان فریدن بوده است.

صابری و همکاران (۱۳۹۴) به طراحی الگوی برنامه درسی هنر آموزش‌های عمومی پرداختند. از ویژگی‌های الگوی طراحی شده؛ ارائه رویکردهای متنوع، تکیه بر مبانی دینی، ارائه اهداف عام، برقراری ارتباط بین هنر و جامعه، بیان ادراک هنری، رضایت و لذت شخصی در ارزشیابی، توجه به حرکات موزون با تکیه بر فرهنگ ایرانی و اسلامی بوده است. در نهایت طراحی الگوی جامع آموزش هنر جهت بهبود و ارتقای تربیت هنری در نظام آموزشی لازم به نظر می‌رسد.

نتایج پژوهش فلاحی (۱۳۹۱) نیز بیانگر تأثیر آموزش هنر بر رشد و پرورش توانایی‌های شناختی کودک نظیر خلاقیت، توانایی‌های زیبا شناختی و هشیاری و آگاهی بیشتر نسبت به محیط است. فلاحی، صفری و یوسف فرحنگ (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت‌های هنری و مهارت‌های فرایندی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی، به معرفی روش تربیت هنری و تأثیر آن بر فعالیت‌های هنری (نقاشی، کار دستی، تربیت شنوایی، قصه و نمایش) و مهارت‌های فرایندی (تفکر، تعامل، مشارکت، همکاری، نظم، دقت و خلاقیت هنری) پرداخته است. نتایج حاصله بیانگر آن بوده که دانش‌آموزانی که با روش تربیت هنری آموزش دیدند هم از لحاظ فعالیت‌های هنری و هم از لحاظ مهارت‌های فرایندی عملکرد بهتری داشتند.

تأثیر یادگیری مبتنی بر هنر بر بهبود اثربخشی تدریس در معلمان پیش از خدمت عنوان پژوهشی است که توسط زهخریان^۱، پاناجی^۲ و دبی^۳ (۲۰۱۹) و با هدف بررسی تأثیر استفاده از الگوی یادگیری مبتنی بر هنر بر نتایج یادگیری رفتار آموزشی مؤثر دانش‌آموزان انجام شد. یافته‌ها نشان داد که نتایج دانش‌آموزان در بین معلمانی که یادگیری مبتنی بر هنر را در کلاس

۱. Zuhkhriyan

۲. Punaji

۳. Dedi

تدریس کرده بودند بیشتر از معلمانی بود که مبنا را بر استفاده از مدل‌های مبتنی بر تمرین نهاده بودند.

برخی پژوهشگران به بررسی تأثیرات علی تجربیات آموزش هنر پرداختند. در این پژوهش که بر روی دانش‌آموزان در ۴۲ مدرسه انجام شد، نتایج حاکی از آن بود که ارتباط قوی بین تجربیات آموزش هنرها مشاهده شده که می‌تواند تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد تحصیلی و توسعه اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشد (بوون^۱ و کیسیدا^۲، ۲۰۱۹).

ایرون^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تغییرات هنر در مدارس از زمان معرفی استانداردهای ملی نیوزیلند پرداخت. نتایج بدست آمده حاکی از آن بود که هنر در مدارس به عنوان اولویت در نظر گرفته نمی‌شود و زمان زیادی از درس هنر، صرف تولید آثار هنری در زمینه هنرهای تجسمی می‌شود و به هنرهای سنتی، نمایشی و موسیقی کمتر توجه می‌شود.

توکو^۴ (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان آموزش هنر به عنوان موضوع مستقل و وابسته، یک مطالعه میان فرهنگی از برنامه آموزش هنر در مدارس ابتدایی ایالات متحده و ژاپن انجام داده است. نتایج نشان داد که مفهوم آموزش هنر به تدریج در مدارس در حال تغییر است. این باعث تشویق کودکان به پرورش خلاقیت از طریق کارهای هنری است که به تناسب کمکی است برای جامعه. هنر ابزار ضروری فوق العاده برای آموزش و یادگیری سایر مطالب است. نتایج پژوهش گریرسون^۵ (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که این قابلیت در هنرهای تصویری وجود دارد که به عنوان موتور محرکی برای هدایت مسیر خلاقیت و نوآوری در مدارس عمل نماید. البته لازمه این تأثیرگذاری پرداختن به نقادی هنری و نه صرفاً آموزش هنر است.

-
۱. Kisida
 ۲. Bowen
 ۳. Irwin
 ۴. Toku
 ۵. Grierson

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

ارتباط آموزش هنر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، عنوان پژوهش دیگری است که توسط آدامز^۱ (۲۰۰۸) انجام شد. نتیجه بدست آمده نشان داد که دانش‌آموزانی که متخصص آموزش هنر برای آنها تعیین شده بود و دوره آموزش هنر را طی کرده بودند، عملکرد بهتری در تحصیل داشتند. ویلسون^۲ (۲۰۰۳) نیز در پژوهش دیگری با عنوان آموزش موسیقی و هنر، تأثیر بر رشد مغز و پیشرفت تحصیلی، به این نتیجه دست یافت که آموزش هنر بر رشد مغز تأثیر دارد. مغز قادر به خلق آثار هنری است. آموزش و خلق آثار هنری رشد مغز را به ویژه در کودکان می‌پروراند، به علاوه تربیت هنری تأثیر مثبتی بر روی پیشرفت تحصیلی دارد به این صورت که بین تربیت هنری و پیشرفت تحصیلی روابط مثبتی وجود دارد.

در ایران؛ حوزه تربیت هنری یکی از حوزه‌های اساسی و درعین حال مغفول در نظام‌های آموزشی به‌شمار می‌رود. در گذشته، توجه به هنر در اکثر نظام‌های آموزشی دنیا نوعی سهل‌انگاری در تربیت تفسیر و از برنامه‌های درسی به دلیل عدم اهتمام کافی به آموزش دروس اساسی و پایه انتقاد می‌شد. اما امروزه، به جایگاه منحصر به فرد هنر در دستیابی جوامع بشری به رشد و توسعه در ابعاد علمی، اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، اخلاقی بیش از پیش توجه شده است (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۹) علیرغم این پیشرفت، همچنان این حوزه را می‌توان به عنوان حوزه‌های مغفول در نظر آورد و با توجه به مطالب فوق و نتایج پژوهش‌های انجام شده که مؤید این است که دانش‌آموزانی که به فعالیت‌های هنری اشتغال دارند، از موفقیت و پیشرفت تحصیلی و آموزشی بهتر و بالاتری برخوردار هستند، در این پژوهش به این فرضیه پرداخته شده که آموزش درس هنر با رویکرد تربیت هنری بر میزان عشق به یادگیری و علاقه به درس دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر یزد تأثیر مثبت دارد.

روش‌شناسی

طرح مقاله حاضر، طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون بوده و آزمودنی‌ها در دو گروه انتخاب شدند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی مشغول به تحصیل در

۱. Adams

۲. Wilson

سال تحصیلی ۹۶-۹۷ در شهر یزد بودند. نمونه پژوهش نیز دو کلاس درس هنر از پایه چهارم که بر اساس صورت نمونه‌گیری تصادفی جایگزینی انتخاب و هر کلاس دارای ۲۲ دانش‌آموز بود. ابزارهای پژوهش؛ پرسشنامه علاقه به درس (CIS) بوده که این ابزار در سال ۱۹۹۳ توسط «کلر و سوبیا» در ۳۴ گویه و چهار خرده مقیاس ساخته شد. علاقه (انگیزه) به درس یک ابزار درجه‌بندی شده است که انگیزه به یک درس را اندازه‌گیری می‌کند و گویه‌های آن به طور مثبت و منفی، انگیزش مربوطه را بیان می‌کنند. این ابزار بر درجه‌بندی پنج‌گانه لیکرت صورت بندی شده است، به هر گویه مثبت در برابر گزینه "کاملاً موافقم" نمره ۵ تعلق می‌گیرد و به ترتیب در برابر گزینه‌های "موافقم"، "نظری ندارم"، "مخالقم" و "کاملاً مخالفم" به ترتیب ۴، ۳، ۲، و ۱ نمره داده می‌شود. خرده مقیاس توجه، بر روی هم توجه و کنجکاوی فرد را نسبت به درس مورد نظر اندازه می‌گیرد. خرده مقیاس ارتباط^۱ که ارتباط محتوای آموزشی را با نیازهای فراگیر می‌سنجد، خرده مقیاس اطمینان^۲ که میزان اطمینان فراگیر نسبت به خود را جهت موفق شدن در درس مورد نظر اندازه می‌گیرد. خرده مقیاس رضایت^۳ که میزان رضایت درونی و بیرونی یادگیرنده را در درس مذکور می‌سنجد. روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان بدست آمده که CVI آن برابر با ۰/۸۵ بوده است. پایایی پرسشنامه علاقه به درس با توجه به ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بدست آمد. کرونباخ خرده آزمون علاقه (۰/۹۱)، خرده آزمون ارتباط (۰/۸۷)، خرده آزمون اطمینان (۰/۸۷) و خرده آزمون رضایت (۰/۸۶) بدست آمد. ابزار دیگر پژوهش؛ پرسشنامه عشق به یادگیری بوده که مقیاس عشق به یادگیری مک فارلن (۲۰۰۳) دارای ۳۹ گویه می‌باشد و در طیف لیکرت درجه بندی شده است. به هر گویه مثبت در برابر گزینه "اصلاً درست نیست" نمره ۱ تعلق می‌گیرد و به ترتیب در برابر گزینه‌های "درست نیست" "نظری ندارم"، "درست است" و "بسیار درست است" به ترتیب ۲، ۳، ۴، ۵ نمره داده می‌شود. روایی پرسشنامه عشق به یادگیری نیز با استفاده از روش تحلیل گویه و بر اساس همبستگی نمره

۱. Relevance

۲. Confidence

۳. Satisfaction

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

هر گویه با نمره کل ۰/۸۵ و پایایی آن به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ حاصل شد (بیابانگرد، ۱۳۸۷).

مداخله‌های انجام شده در پژوهش حاضر در جدول زیر خلاصه شده است؛

جدول ۱: مداخله‌های انجام شده در پژوهش

جلسات	
جلسه اول	معرفی مربی و صحبت در زمینه نقاشی چیست و چه فایده ای دارد و دانش آموزان یک نقاشی کشیدند و به مربی تحویل دادند
جلسه دوم	مربی با بررسی نقاشیها، متوجه شد که دانش آموزان با اصول نقاشی آشنایی ندارند. تنها سه نفر نقاشی را با اصول انجام داده بودند. بر این اساس با اشکال هندسی نقاشی به دانش آموزان آموزش داده شد. در این جلسه دانش آموزان با نحوه ترسیم دایره، مربع، مستطیل و سه گوش آشنا شدند و خانم مربی نحوه رنگ آمیزی صحیح را به بچه‌ها یاد داد. تکلیف بچه‌ها برای جلسه بعد کشیدن شکل‌های هندسی و رنگ آمیزی آن بود
جلسه سوم	دانش آموزان یاد گرفتند با ترسیم یک خط، اشکال هندسی را به دو قسمت مساوی تقسیم کنند و هر قسمت را جداگانه رنگ بزنند. باز هم نحوه رنگ آمیزی صحیح به بچه‌ها آموزش داده شد
جلسه چهارم	با رسم چند دایره، مربی نقاشی یک موش و رنگ آمیزی صحیح موش به بچه‌ها آموزش داده شد. دانش آموزانی که سریعتر انجام دادند، خودشان یک خرگوش نیز کشیدند و برای گوش خرگوش از مثلث استفاده کردند و در نهایت سه نقاشی بهتر بر روی برد کلاس نصب شد.
جلسه پنجم	آموزش نقاشی خرگوش و لاک پشت با دایره و مثلث و رنگ آمیزی آنها بود. اشکالات دانش آموزان بررسی شد. برای تکلیف جلسه بعد هر کدام از دانش آموزان یکی از اشکالی که یاد گرفته بودند، کشیدند و با خود به مدرسه آوردند. نقاشی‌های برتر روی برد کلاس نصب شد.
جلسه ششم	آموزش نقاشی بالن با دایره، مربع و مستطیل و رنگ آمیزی آن توسط فراگیران به سلیقه خودشان بود
جلسه هفتم	آموزش نقاشی پروانه و گل با استفاده از اشکال هندسی و رنگ آمیزی آن بود
جلسه هشتم	آموزش استفاده از قیچی برای چیدن نقاشی و چسباندن آن روی یک مقوا بود
جلسه نهم	نقاشی آدمک به بچه‌ها آموزش داده شد و با قیچی از کاغذ جدا و بر روی مقوا چسبانده و روی برد کلاس نصب گردید.
جلسه دهم	آموزش اورنگامی یا همان کاغذ و تا بود. به بچه‌ها آموزش داده شد با کاغذهای رنگی یک لیوان و یک قایق درست کنند. با لیوانشان آب بخورند و قایقها را درون ظرف آب گذاشتند.

در این جلسه مربی متوجه شد که یکی از فراگیران، دوره کامل اوریگامی را آموزش دیده است. از آن دانش آموز خواسته شد که هر جلسه یک شکل را به دانش‌آموزان آموزش دهد	
جلسه یازدهم	نقاشی درخت، ماهی، رودخانه و رنگ آمیزی صحیح آنها
جلسه دوازدهم	کشیدن نقاشی با موضوع آزاد. در پایان کلاس نقاشی‌های دانش‌آموزان جمع آوری و یک نمایشگاه از نقاشی‌های دانش‌آموزان در نمازخانه مدرسه برپا شد.
جلسه سیزدهم	آموزش نقاشی خانه با اشکال هندسی و نحوه رنگ آمیزی آنها
جلسه چهاردهم	نقاشی آزاد توسط دانش‌آموزان

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری از قبیل میانگین، انحراف معیار نمرات عشق به یادگیری و علاقه به درس و ابعاد آن میباشند که در جداول زیر ارائه شده است. جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیر عشق به یادگیری در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه ها	آزمون	تعداد	شاخص های توصیفی		
			میانگین	انحراف استاندارد	مینیمم
آزمایش	پیش آزمون	۲۲	۱۵,۶۰	۱,۲۳	۳,۰۰
	پس آزمون	۲۲	۲۷,۰۷	۲,۸۷	۱۸,۰۰
کنترل	پیش آزمون	۲۲	۱۶,۰۷	۱,۲۲	۱,۰۰
	پس آزمون	۲۲	۱۸,۸۰	۱,۷۸	۳,۰۰

شاخص‌های آماری در جدول بالا نشان می‌دهد که در پژوهش حاضر؛ در گروه آزمایش، نمره میانگین عشق به یادگیری ۱۵/۶۰ در پیش‌آزمون بوده است ۲۷/۰۷ به دست آمده است. در گروه کنترل نمره پیش‌آزمون ۱۶/۰۷ بوده و در پس‌آزمون ۱۸/۸۰ به دست آمده است.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار متغیر علاقه به درس در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

گروه ها	آزمون	تعداد	شاخص های توصیفی		
			میانگین	انحراف استاندارد	مینیمم
آزمایش	پیش آزمون	۲۲	۳۰,۴۶	۴,۳۴	۲۹,۰۰
	پس آزمون	۲۲	۳۹,۰۰	۵,۴۰	۴۰,۰۰
کنترل	پیش آزمون	۲۲	۲۹,۰۰	۴,۰۵	۲۷,۰۰
	پس آزمون	۲۲	۳۰,۶۶	۴,۶۲	۲۶,۰۰

بر اساس جدول ۲؛ در گروه آزمایش، نمره میانگین علاقه به درس ۳۰/۴۶ در پیش آزمون بوده است که در پس آزمون ۳۹/۰۰ به دست آمده است. در گروه کنترل نیز نمره پیش آزمون ۲۹ بوده و در پس آزمون ۳۰/۶۶ به دست آمده است. فرضیه اول: آموزش درس هنر با رویکرد تربیت هنری بر میزان عشق به یادگیری دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر یزد تأثیر مثبت دارد.

جدول ۳-آزمون تحلیل کوواریانس عشق به یادگیری در دو گروه آزمایشی و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
پیش آزمون	۳۰۴۰,۷۰۲	۱	۳۰۴۰,۷۰۲	۸,۸۱	۰,۰۶۰
گروه	۱۲۲۱,۹۴۹	۱	۱۲۲۱,۹۴۹	۲۳,۶۳	۰,۰۰۰
خطا	۱۳۹۵,۱۳۱	۴۲	۵۱,۶۹		
کل	۵۴۷۷۶,۰۰	۴۴			

همانگونه که در جدول ۳ مشخص شده است، $(F(1/27) = 23/63)$ در سطح معناداری $(0/05 < P)$ نشان می‌دهد که آموزش هنر باعث تغییر در گروه‌ها شده است. ملاحظه میانگین‌های دو گروه مشخص می‌کند که نمره پس آزمون گروه آزمایش، نسبت به نمره پس آزمون گروه کنترل افزایش یافته است. یعنی فرض صفر رد می‌شود و فرض پژوهش تأیید می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که آموزش هنر بر افزایش عشق به یادگیری دانش آموزان مؤثر بوده است.

فرضیه دوم: آموزش درس هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس و ابعاد آن در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر یزد تأثیر دارد.

جدول ۴- آزمون تحلیل کوواریانس علاقه به درس در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش آزمون	۳۱۴۲,۶۵۲	۱	۳۱۴۲,۶۵۲	۹,۳۲	۰,۰۶۷
گروه	۱۳۲۷,۱۴۷	۱	۱۳۲۷,۱۴۷	۲۶,۰۱	۰,۰۰۰
خطا	۱۶۴۲,۲۱۴	۴۲	۵۳,۳۲		
کل	۵۸۷۳۶,۰۰	۴۴			

بر مبنای جدول ۴ با توجه به مقدار، $(F(1/۲۷) = ۲۶/۰۱)$ در سطح معناداری $(P < ۰/۰۵)$ باید عنوان کرد که آموزش هنر باعث افزایش علاقه به درس در دانش‌آموزان شده است. ملاحظه میانگین‌های دو گروه گواه آن است که نمره پس آزمون گروه آزمایش نسبت به نمره پس آزمون گروه کنترل افزایش یافته است. براین اساس فرض صفر رد و فرض پژوهش پذیرفته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مکاتب گوناگون فکری و تربیتی، هنر را وسیله‌ای کارآمد برای توسعه مفاهیم مختلف در جامعه دانسته‌اند که با در نظر داشتن اساسی‌ترین مراحل و ابعاد حیات و تربیت، شخصیت و جنبه معنوی و روحی افراد را با تحولی بارز مواجه می‌سازد. زبان هنر، زبان بیان حقایق زندگی روزمره به شکل غیر مستقیم است. رسالت هنر، دنبال نمودن هدف‌هایی است که به درکی مناسب نسبت به مفاهیم اساسی و جهت‌گیری‌های سازنده انسان در مسائل اصلی هستی نظر داشته باشد. هدف‌هایی که با ارائه نوعی جهان بینی و ایدئولوژی مطلوب به درک و شناخت انسان و اعمال و رفتار وی هماهنگی بخشد. تلاش در ایجاد نگرش‌ها، تحکیم گرایش‌ها و ارائه‌ی نظام ارزشی و تربیتی می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌های بیکران هنر صورت پذیرد. تربیت هنری کودکان را قادر می‌سازد که راه‌های گوناگون برقراری ارتباط با دیگران را کشف کنند و ایده‌های شخصی و مبتکرانه خود را بیان کنند، در اغلب کشورهای جهان، تربیت هنری در آموزش ابتدایی صورت

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

می‌پذیرد، اما متأسفانه در مدارس مقطع ابتدایی ایران به آموزش این درس اهمیت چندانی داده نمی‌شود و دانش‌آموزان با مشکلاتی روبرو هستند که باعث عدم علاقه و عشق به یادگیری درس هنر می‌شود. در این پژوهش به بررسی تأثیر آموزش هنر بر علاقه به این درس و عشق به یادگیری در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی پرداخته شد. نتایج پژوهش در راستای فرضیه اول مبنی بر تأثیر آموزش درس هنر در میزان عشق به یادگیری، نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و کنترل در میانگین نمرات عشق به یادگیری وجود دارد. لذا، این فرضیه پژوهش تأیید شد یعنی آموزش هنر در این پژوهش تأثیر معناداری در عشق به یادگیری دانش‌آموزان داشته است. در این خصوص یافته‌های پژوهش با پژوهش‌های پریس^۱ (۲۰۰۳)، محمد پور (۱۳۸۲) و غفاری، کاظم پور و اوقافی همدانی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. نتایج حاصل از فرضیه دوم که به بررسی تأثیر آموزش درس هنر بر علاقه به درس در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی پرداخت، نشان داد که آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری باعث علاقه به درس هنر در دانش‌آموزان می‌شود. این نتایج با یافته‌های پژوهش آدامز (۲۰۰۸)، فلاحی، صفری و یوسف فرحنگ (۱۳۹۰) و زمانی دارانی (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش رابطه معنادار بین آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری با عشق به یادگیری و علاقه به درس در دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر یزد را تأیید کرد. به این معنا که آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری منجر به بالا رفتن عشق به یادگیری و علاقه به درس می‌شود و درگیری دانش‌آموزان را در یادگیری افزایش می‌دهد که در نهایت باعث می‌شود فراگیران از فعالیت هنری لذت ببرند و در آن تسلط کسب کنند.

آشنایی کودکان با اساس هنرها نه تنها به آنان یارای بیان اندیشه با شیوه‌های هنری (زبان هنر) را می‌دهد، بلکه قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای اطراف و همچنین دقت را در آنها تقویت می‌کند. سیر تکاملی هنر با فعالیت چوپای ذهن، رشد اندیشه‌های پر بار و ذوق هنری، دقت حافظه نظری، فعالیت فیزیکی و سنجش نظری، ارتباط نزدیک دارد. در مدارس می‌توان از طریق آموزش هنر به پرورش گرایش‌های مطلوب تقویت ارزش‌ها و فرهنگ‌های مورد نظر در دانش‌آموزان پرداخت و از آن به عنوان وسیله‌ای مؤثر در جهت آموزش مفاهیم و اصول رشد از

۱. Paris

جنبه‌های عقلانی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی افراد بهره‌مند شد. کودکان از سال‌های آغاز تولد، در برابر صداهایی چون سرود و موسیقی به هیجان می‌آیند و نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهند. کودک از همان هنگام که لب به سخن می‌گشاید، از تکرار کلام موزون لذت می‌برد. کودکان همچنین به شنیدن قصه‌ها و مشاهده فیلمهای داستانی تمایل زیادی دارند. دقت نظر در حال و هوای کودک در لحظه‌های بحرانی و هیجانی (از داستانهایی که به آن گوش فرا داده یا فیلم‌های داستانی که به تماشا نشسته‌اند) حاکی از جذابیت و تأثیر عمیق قصه و داستان بر این گروه سنی است. کودک خردسال از حدود دو سالگی که قادر به ترسیم خطوط اتفاقی بر روی کاغذ یا دیوار می‌شود، از مشاهده آنچه در ایجاد آن دخالت داشته است، لذت می‌برد. وی از طریق نقاشی سخن می‌گوید، عقاید و افکار و عواطف خود را از آن طریق بیان و نیازها، تمایلات، مشکلات و محدودیت‌های زندگی‌اش را بازگو می‌کند. از این رو از طریق نقاشی کودکان می‌توان در تشخیص چگونگی رشد ذهنی، عقلانی و مشکلات عاطفی استفاده کرد و همچنین می‌توان در ارتقای بهداشت روانی و درمان مشکلات آنها گام‌های مؤثری برداشت. نقاشی و طراحی از مهمترین عوامل در بیان مقاصد، افکار، عقاید و نیازهای درونی بشر محسوب می‌شود. اشتغال به این فعالیت خلاقه، می‌تواند علاوه بر پرورش حس زیبایی دوستی و ذوق هنری انسان، نقش مؤثری در رشد شخصیت، شناخت مشکلات و اختلالات روانی و درمان او داشته باشد. از طرفی از ویژگی‌های دنیای کودک، خیال پردازی است که به گونه‌ها و اشکال مختلف صورت می‌گیرد، چنانکه گاه زندگی کودکان بین واقعیت و خیال در نوسان است. تخیل با گذشت سن کودک، تغییرات محسوسی پیدا می‌کند. هنر به کودکان این امکان را می‌دهد تا با کارهای عملی، ساختن و طراحی کردن را تجربه کنند و این خود، موجب پرورش خلاقیت و نمونه‌سازی مستقیم آنان می‌شود (نبوی، ۱۳۹۲).

در این باره، آیزنر در مبحثی با عنوان آیا تجربه‌های هنری می‌تواند به بهبود پیشرفت تحصیلی در حوزه‌های علمی منجر شود؟ به توصیف و نقد مهمترین مطالعات در این زمینه پرداخته و به این نتیجه رسیده که توجهی جدی به هنر موجب هر چه لذت بخشتر شدن تجربه مدرس‌های

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

به طور عام شده است و دانش‌آموزان شوق و رغبت بیشتری به یادگیری سایر دروس از خود نشان می‌دهند (مهر محمدی، ۱۳۸۳). البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که برای ایجاد علاقه به درس و یا عشق به یادگیری، صرفاً تدریس با تکیه بر تربیت هنری کافی نیست، وجود معلم متخصص در این زمینه بسیار حائز اهمیت است اما متأسفانه در مدارس ایران به خصوص ابتدایی و متوسطه اول؛ اکثر مدرسان درس هنر، فاقد تخصص در این زمینه هستند. گاهی مشاهده می‌شود که معلمینی به دلیل پر نشدن ساعات تدریس، تدریس هنر را نیز بر عهده می‌گیرند و از این منظر در تضاد با گفته این نکته است که معلم با تدریس هنر، کار موفق‌تری انجام می‌دهد چرا که بچه‌ها انجام فعالیت‌های هنری را دوست دارند. در هر انسان ذوقی خلاقانه وجود دارد، در کودکان به‌طور یقین ذوقی درونی وجود دارد که خلاقیت آنها را تحریک می‌کند (سورتیجی اوکرکایی و رستگار نژاد، ۱۳۹۰) با توجه به عدم تخصص معلم در درس هنر و تدریس این درس، نه تنها علاقه به درس و یا عشق به یادگیری را در دانش‌آموزان از بین می‌برد بلکه قوه خلاقیت آنها را نیز شکوفا نمی‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر را می‌توان ارائه نمود:

- پژوهش‌هایی در سایر مقاطع تحصیلی از منظر آموزش درس هنر و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به این درس انجام دهند.
- پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درسی با ارائه برنامه‌های آموزشی و طراحی راهبردهای اثر بخش در درس هنر، فرصت مناسبی را جهت رشد شایستگی‌های دانش‌آموزان در این درس فراهم نمایند.
- پیشنهاد می‌شود مدارس با ایجاد شرایط مناسب، از جمله استفاده از مربیان متخصص در امر آموزش هنر، به کارگیری مشوق‌های مادی و معنوی، اتخاذ برنامه‌های متنوع و غیره، زمینه علاقه به درس هنر و عشق به یادگیری را در دانش‌آموزان تقویت نمایند.

منابع

اسمیت، ادوارد لوسی (۱۳۹۶). جهانی شدن و هنر جدید. ترجمه: علیرضا سمیع آذر. تهران: نظر.
بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: دوران

پاکباز، روبین (۱۳۸۷). دایره المعارف هنر (چاپ هفتم). تهران: فرهنگ معاصر.
زمانی دارانی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی مشکلات و محدودیت‌های درس هنر دوره متوسطه اول از دیدگاه
معلمان شهرستان فریدن. سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. تهران:
موسسه پژوهشی مدیریت مدرن.

سورتیچی اوکرکایی، علی اصغر و رستگار نژاد، حسن (۱۳۹۰). رابطه آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری
و خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم دبستان‌های ایران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷. ابتکار و خلاقیت
در علوم انسانی. ۱ (۳): ۱-۲۷.

شاه محمدی، انور (۱۳۹۰). در آمدی بر نقش هنر در مدارس. تهران: پیام نور.
صابری، رضا؛ کیزوری، امیرحسین؛ محبی امین، سکینه و پورکریمی هاوشکی، مجتبی (۱۳۹۴). طراحی
الگوی برنامه درسی هنر آموزش‌های عمومی (ابتدایی و متوسطه اول). مطالعات برنامه‌درسی. ۱۰
(۳۹): ۱۵۴-۱۳۳.

غفاری، خلیل؛ کاظم پور، اسماعیل و اوقافی همدانی، مریم (۱۳۹۶). تأثیر برنامه‌درسی آموزش هنر
دیسپلین محور بر تربیت هنری دانش‌آموزان دوره ابتدایی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. ۵۲:
۹۸-۱۱۰.

فلاحی، ز (۱۳۹۱). اثر آموزش هنرهای محیط زیست بر خلاقیت مدارس ابتدایی (پایان‌نامه کارشناسی
ارشد). تهران: دانشگاه تهران.

فلاحی، ویدا؛ صفری، یحیی و یوسف فرحنگ، ماندانا (۱۳۹۰). تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر
فعالیت‌های هنری و مهارت‌های فرایندی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی. نوآوری‌های آموزشی.
۱۰ (۳۹): ۱۰۱-۱۱۸.

فیروزی، محمد؛ سیفی، محمد؛ حسینی مهر، علی و فقیهی، علیرضا (۱۳۹۷). جایگاه محورهای تربیت
هنری، ساختار محتوایی و الگوی سه وجهی برنامه‌درسی در کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر دوره
اول متوسطه. نظریه و عمل در برنامه درسی. ۶ (۱۱): ۳۱-۶۶.

گرمابی، حسنعلی؛ ملکی، حسن؛ بهشتی، سعید و افهمی، رضا (۱۳۹۴). بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی
و هنر برای برنامه‌درسی از منظر منابع مکتوب و دیدگاه صاحب نظران. مطالعات برنامه‌درسی. ۱۰
(۳۹): ۷۰-۴۹.

محمد پور، آیت الله (۱۳۸۲). آموزش هنر در مدارس دوره ابتدایی. تهران: منادی تربیت.

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

مهدیزاده تهرانی، آیدین؛ عصاره، علیرضا؛ مهرمحمدی، محمود و امام جمعه، محمد رضا (۱۳۹۷). طراحی الگوی نظام دستیابی به صلاحیت‌های مورد انتظار معلمان هنر (دوره‌های ابتدایی و اول متوسطه) در دوره کارشناسی آموزش هنر. مطالعات برنامه‌درسی ایران. ۱۳ (۵۰): ۱۰۷-۱۳۸.

مهرمحمدی، محمود و کیان، مرجان (۱۳۹۹). برنامه‌درسی و آموزش هنر در مدارس. تهران: سمت.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). آموزش عمومی هنر، چيستی، چرایی، چگونگی (چاپ دوم). تهران: مدرسه.

نبوی، سید صادق (۱۳۹۲). نقش هنر در پرورش خلاقیت و ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان. رشد آموزش هنر. ۷ (۴): ۱۰-۱۵.

- Adams, Kelley W. (2008). **The Relationship Between Art Education and Student Achievement in Elementary Schools** (Doctoral, Study). USA: College of Education Walden University.
- Anttila, E. (2018). **Art education promotes the development of the child and society**. Teok-sessa M. Matthes, L. Pulkkinen, C. Clouder & B. Heys (toim.), Improving the quality of childhood in Europe, 60-72.
- Arslan, A. A. (2014). **A study into the effects of art education on children at the socialisation process**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 116, 4114-4118.
- Barnes, Stuart J. & Vidgen, Richard T. (2002). **An Integrative Approach Research.vol.3.to the Assesment of E-Commerce Quality**. Journal of Electronic commerce. 3 (3): 114-127.
- Berenato, C. (2008). **A Historical analysis of the influence of john Dewey's educational philosophy on the Barnes foundations art educational experience**. Unpublished Doctoral Dissertation, Denver: Saint Joseph's University Denver.
- Bowen, D. H., & Kisida, B. (2019). **Investigating causal effects of arts education experiences: Experimental evidence from Houston's Arts Access Initiative**. Houston Education Research Consortium Research Report for the Houston Independent School District. 7 (4), 1-28.
- Brown K (2017). **The Power of ART to Engage**. Clemson, C: National Dropout Prevention Center/Network
- Conkey, A. A., & Green, M. (2018). **Using Place-Based Art Education to Engage Students in Learning about Food Webs**. Journal of Instructional Pedagogies, 21,1-18
- Curry R.C. (2018). **Quantitatively Measuring the Effectiveness of Arts Integration on Student Achievement**.Delta State University
- Grierson, EM. (2011). **Art and creativity in the global economies of education**, Educational Philosophy and Theory.43 (4), 336-350

- Irwin, M.R. (2016). **Arts Shoved Aside: Changing Art Practices in Schools since the Introduction of National Standards**. International Journal of Art & Design Education. <https://doi.org/10.1111/jade.12096>
- Jarrah, A. M., Khasawneh, O. M., & Wardat, Y. (2020). **Implementing pragmatism and John Dewey's educational philosophy in Emirati elementary schools: case of mathematics and science teachers**. International Journal of Education Economics and Development, 11 (1), 58-75.
- Lloyd K. (2017). **Benefits of Art Education: A Review of the Literature**. Scholarship and Engagement in Education.1 (1):1-21
- Ozalp, H. K. (2018). **Perception of Elementary Education and Art Education Teacher Candidates towards the Aesthetic Concept**. Universal Journal of Educational Research, 6 (10), 2187-2198.
- Paris, S. (2003). **The role of self-regulated learning in contextual teaching: principal and practices for teacher preparation**, office of educational re-search and improvement (Ed), Washington DC
- Perso T, Nutton G, Fraser J, Silburn SR & Tait A (2011). **The Arts' in education: A review of arts in schools and arts-based teaching models that improve school engagement. academic, social and cultural learning**. Darwin: Menzies School of Health Research
- Peterson C, Seligman MEP. (2004). **Character strengths and virtues: A handbook and classification**. New York: Oxford University Press
- Smorti M. (2014). **Sensation seeking and self-efficacy effect on adolescent's risky driving and substance abuse**. Procedia Soc Behav Sci.140:638-42.
- Toku, M. (2012). **The Role of Art Education as an Independent and Interrelated Subject: Facing the Crisis of Art Education in Japan**, California State University, Chico
- Tucker, S. D. (2017). **The Effects of Arts Integration on Literacy Comprehension Achievement**. (Doctoral dissertation). Carolina: University of South Carolina
- Ulger K. (2019). **Comparing the effects of art education and science education on creative thinking in high school students**. Arts Education Policy Review. 120, 2 :57-79
- Wilson, K. T. (2007). Music and Arts education: its effect on brain development and academic achievement, from jstor database
- York viney, S. A. (2007). **An Examination of the Effectiveness of Arts Integration in Education on Student Achievement, Creativity and**

بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری بر علاقه به درس ...

Self Perception, Unpublished Doctoral Dissertation: Mary wood University.

Zuhkriyan Z, Punaji S & Dedi K (2019). **The Effect of Art-Based Learning to Improve Teaching Effectiveness in Pre-Service Teachers**. Journal for the Education of Gifted Young Scientists. 7 (3):579-592